

## لحظه‌های حساس و اشتباهات فاجعه‌بار!

سارا محمود

حساسیت اوضاع سیاسی ایران در لحظه‌های کنونی امری است که کمتر نیروی سیاسی جدی در آن تردید دارد. اما در این‌که این حساسیت به چه مفهومی است و چه عواملی این حساسیت را ایجاد کرده است، طبیعتاً مورد اختلاف است. متأسفانه بسیاری اوضاع را آن‌طور که دل‌شان می‌خواهد و نه آن‌طور که هست، می‌بینند. این امر اگرچه در دنیای سیاست غیرعادی نیست، اما دقیقاً بعثت حساس بودن اوضاع، می‌تواند نتایج فاجعه‌باری داشته باشد.

نمونه‌ای از این برداشت‌های دلخواهی از اوضاع را اکنون طیف وسیعی از اصلاح‌طلبان، بویژه در خارج کشور به نمایش می‌گذارند. این‌روزها فعالین و سخن‌گویان این طیف راه افتاده‌اند و از تریبون‌های گوناگون مستقیم و یا غیرمستقیم چنین القاء می‌کنند که گویا مرحله اول یورش دستگاه ولایت - یا آن چیزی که نه بی‌علت کودتا خوانده می‌شود - شکست خورده و گویا سیاست به اصطلاح معقول جناح اصلاح‌طلب در مقابله با تهاجم، یعنی آرام‌سازی، پیروز از آب درآمده و مهاجمین را وادار کرده نتوانند به پیش‌روی خود ادامه دهند. حتی برخی، از عقب‌نشینی دستگاه ولایت سخن می‌گویند و سخنان خامنه‌ای در نماز جمعه ۲۲ اردیبهشت مبنی بر پذیرش دو جناح در حاکمیت را نشانه سازش و قصد دستگاه ولایت در کنار آمدن با اصلاح‌طلبان تعبیر می‌کنند.

این ارزیابی از اوضاع طبیعتاً از موضع اصلاح‌طلبان ناشی می‌شود که می‌خواهند با نردبان به آسمان بروند و بنابراین ناچارند یا به نرده‌های چوبی زیر پای‌شان خصلت گول‌آسا بدهند یا آسمان‌شان را با ایجاد یک سقف کوتاه خیالی پائین بیاورند.

اول از همه باید پرسید چرا یورش شکست خورده است! آن‌ها می‌خواستند فعلاً در این مرحله مطبوعات اصلاح‌طلب و نیمه‌مستقل را ببندند که بستند؛ شبکه خبررسانی و افشاکاری حاصل از دوم خرداد را برچینند، که کردند؛ شخصیت‌های تندروی جبهه دوم خرداد را خاموش و آن‌ها را در درون جبهه منزوی کنند، که این کار را هم چه با دستگیری‌ها و چه با ایجاد شرایط خفقان و فشار بر بخش محافظه‌کار جبهه دوم خرداد به انجام رسانیدند. در متن این شرایط، اصلاحیه قانون مطبوعات و لنو حق تحقیق و تفحص نهادهای تحت هدایت رهبری توسط مجلس را هم تسویب کردند، که هر دو برای دستگاه ولایتی و خلافی در برابر آسیب‌های احتمالی دستگاه جمهوری مأمونیت (قانونی) ایجاد

## نطق خامنه‌ای در تداوم

### استراتژی "حسینی"!

روزبه

استراتژی "حسینی" نامی است که خامنه‌ای و رفسنجانی برای مشی جدید خود برگزیده‌اند. نخست خامنه‌ای بود که از کاربرد "مشی حسینی" برای خاموش ساختن و متوقف کردن پیش‌روی جنبش توده‌ای و سرچای خودنشانیدن حریف به میان آورد. سپس رفسنجانی در خطبه معروفش در نمازجمعه - که برخی از اصلاح‌طلبان آنرا به منزله پایان عمرسیاسی وی تلقی کرده‌اند - در دفاع از آن سنگ تمام گذاشت. دروغ و نیرنگ نهفته در این مشابه سازی تاریخی و مقایسه وضعیت کنونی با وضعیت ۱۵۰۰ سال پیش را البته تدوین‌کنندگان این استراتژی نیز به خوبی واقفند. و از قضا اگر بنا بر مشابه سازی باشد، این دستگاه ولایت فقیه و جناح حاکم است که بعنوان قدرت فاتحه و مسلط فاسد، باید در نقش امریاب ظاهرشده باشند و برعکس این نیروهای مخالف و یا مردم هستند که باید قاعدتاً در نقش امام حسین علیه غاصبین‌اموی به صحنه آمده باشند. قصد آن‌ها از این مشابه سازی اساساً رساندن این پیام به گوش مردم و نیز حریفان خود است که دستگاه ولایت برای دفاع از منافع و جایگاه خود، از خون و

بقیه در صفحه ۳

## هم حق اعتصاب، هم حق

### تشکل مستقل

یوسف آبخون در صفحه ۴

## تحصن ایرانیان در استکهلم

ادامه دارد! در صفحه ۴

## آکسیون‌های اعتراضی علیه

### موج جدید سرکوب

در صفحات ۲ و ۳

می‌کند و همان‌طور که آن شیخ بدنام آرزو کرده بود، جمهوریت نظام را در ولایت و خلافت ذوب می‌کند.

همه این اقدامات که در مرحله اول یورش صورت گرفت بدین منظور بود که در مرحله دوم، زمینه آماده شود تا اگر مجلس ششم شروع بکار کند - حتی اگر کل انتخابات تهران ملغی نشده باشد - مجلسی باشد که در آن، اختیار و اقتدار دستگاه ولایت از گزند «پلاتفرم قانون» در امان بوده و اکثریت اصلاح‌طلب در آن را بتوان مثل بز بپای خودش آویزان کرد. مجلسی که در شرایط تعطیل مطبوعات، تک‌صدایی نقش‌گیر تمامیت‌خواهان که تمام رسانه‌های رسمی و نیمه‌رسمی را تسخیر کرده‌اند، حذف یا تضعیف گرایش رادیکال، قطع زبان دراز تندگویان جناح چپ جبهه دوم خرداد، نامشروع و غیرقانونی کردن هر نوع ائتلاف با اصلاح‌طلبان ملی-مذهبی، رسمیت دادن به «غیرخودی» بودن اصلاح‌طلبان مستقل و حتی مشروع بودن زندانی کردن آن‌ها، انتقال رهبری و ابتکار عمل به جناح محافظه‌کار دردرون جبهه دوم خرداد، تشکیل شود، بی‌خاصیت‌تر از همه مجلس‌های رژیم اسلامی از آغاز تاکنون خواهد بود.

بنابراین مرحله اول یورش دستگاه ولایت برخلاف ادعای اصلاح‌طلبان، بویژه نوع برون‌مرزی آن، لااقل تاکنون با موفقیت به انجام رسیده است و در همین لحظاتی که می‌گذرانیم، دستگاه ولایت در حال اجرای مرحله دوم آن، یعنی اخته کردن مجلس آینده در صورت بازگشایی است. اعلامیه پیروزی را هم رهبر رژیم در نماز جمعه ۲۲ اردیبهشت خواند. باز برخلاف تبلیغات و تعبیرات اصلاح‌طلبان برون‌مرزی، خامنه‌ای در این سخنرانی از در سازش با جناح مقابل برنیامد، بلکه شروط تسلیم و ترک متارکه را خواند. یعنی طرد گرایش رادیکال و تندرو که قبلاً آن‌ها را آمریکایی خوانده بود، و انفاء سیاست فرهنگی تاکنونی حتی با حمله ضمنی به وزیر ارشاد، یعنی پس‌گرفتن یکی از محورهای پلاتفرم جبهه دوم خرداد.

نکته مهم این است که دستگاه ولایت، موفقیت در اجرای مرحله اول تهاجم را مدیون هم‌کاری همان کسانی است که هدف مقدم ضربت و تهاجم بودند، یعنی جناح اصلاح‌طلب حکومتی و جبهه دوم خرداد. این‌ها مجاله شده بین فشار دستگاه ولایت و ضروریات پلاتفرم خود یعنی دفاع از دستگاه ولایت در برابر مردم، مردم را به آرامش در مقابل یورش فراخواندند، درحالی‌که مقاومت گسترده مردم در ابعادی که دستگاه ولایت را در بقیه در صفحه ۲

دنباله از صفحه‌ها لحظه‌های حساس.....

محاصره قرار دهد، تنها ابزار ممکن برای عقب‌راندن مهاجمین بود. اصلاح‌طلبان در مقابل تناقضات خود هیچ راه‌گشایی نداشتند مگر جلوگیری از این مقاومت و پراکنده‌کردن و گسستن ارتباطات آن و تبدیل مقاومت و اعتراضی که جلوگیری از آن ممکن نبود، به کانون‌های پراکنده اعتراض.

البته در این جا باید تأکید کرد در این زمینه جای گله از اصلاح‌طلبان حکومتی وجود ندارد. از هیچ‌کس نمی‌توان انتظار داشت با پلانفرم نیروی دیگری جنگ خود را پیش برد. آن‌ها با پلانفرم خود مبارزه می‌کنند و پلانفرم آن‌ها اگرچه مبارزه و هم‌کاری با ولایت‌فقیه را یکجا در خود دارد، اما اصل دفاع از ولایت‌فقیه است که مبارزه‌شان را مشروط می‌کند نه بالعکس.

بوجود این، تأکید مزبور نباید مانع آن گردد که تحول بزرگی که در جریان یورش دستگاه ولایت در صحنه سیاسی بوجود آمد، دست‌کم بگیریم. در جریان این یورش، آن‌چه که تاکنون مردم بعنوان سپر در مبارزه با ولایت‌فقیه مورد استفاده قرار می‌دادند، به سپر ولایت‌فقیه در مقابل واکنش مردم تبدیل شد. این که خود آن‌ها قلباً مایل هستند چنین نقشی را ایفا کنند یا نه هیچ اهمیتی ندارد، هر نیرویی اسیر پلانفرم خویش است، یک‌بار دیگر باید یادآوری کرد، بز را به پای خودش آویزان می‌کنند.

توهم پراکنی در خدمت تهاجم!

حساسیت اوضاع به چه مفهومی‌ست؟ برای جستجوی عاملی که وضعیت حساسی در کشور ایجاد کرد باید به مهمترین حادثه قبل از یورش دستگاه ولایت مراجعه کرد، یعنی به انتخابات مجلس ششم. اگر نتیجه انتخابات پذیرفته می‌شد یکی از نهادهای مهم جمهوری و شاید مهم‌ترین آن به تسخیر جناح اصلاح‌طلب در می‌آمد و از اختیار جناح تمامیت‌خواه خارج می‌شد. این امر در وضعیت هر سه نیروی اصلی صحنه سیاست ایران، یعنی دو جناح حاکم و مردم، تغییرات اساسی ایجاد می‌کرد. از جناح اصلاح‌طلب آغاز کنیم که بعنوان میانجی بین دو طرف اصلی یعنی دستگاه ولایت و مردم عمل می‌کرد. با تسخیر مجلس آن‌ها در منتهی‌الیه بن بست کور پلانفرم خود قرار می‌گیرند. پلانفرم قانون اساسی در مجلس با سد قانون اساسی و مهم‌ترین محور آن یعنی اقتدار مطلق ولایت‌فقیه و دستگاه آن روبرو می‌شود. آن‌ها می‌خواستند با اصل کم‌ترین تکان حرکت کنند، اما آیا این امر ممکن بود؟ این نه آن‌ها بلکه دو نیروی اصلی دیگر یعنی مردم و دستگاه ولایت بمنابۀ محور نظام بودند و هستند که تکان‌ها را بوجود می‌آورند. به وضعیت این دو نیرو پس از پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس نگاه کنیم. مردم که در هم سوئی سیاسی با جناح اصلاح‌طلب حرکت می‌کردند، اکنون با تسخیر مجلس توسط اصلاح‌طلبان آن‌را به ابزاری برای حمله به ولایت‌فقیه تبدیل می‌کردند. کمترین انتظاری که آن‌ها از اصلاح‌طلبان داشتند و آن‌را با فشار اعمال می‌کردند، تغییر قانون اساسی و کاستن از اقتدار ولایت‌فقیه و دستگاه آن بود و این یعنی آغاز هجوم برای روییدن آن. از آن سو، دستگاه ولایت نه تنها نمی‌توانست به این پیش‌روی تن در دهد، بلکه بطور جدی خواهان احياء

اقتدار «قانونی» همان قدرتی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود و تا قبل از دوم خرداد اعمال می‌شد، بود. زیرا لغو مشروعیت قانونی، فراقخواندن مردم به انقلاب است، همان اندازه که تن دادن به تغییر قانون اساسی به معنای ترک صحنه بدون جنگیدن است.

بنابراین اصلاح‌طلبی بلافاصله با تسخیر مجلس و بدلیل تسخیر مجلس در مرحله پایانی راه‌پیمایی سیاسی خود قرار گرفت. هم اصلاح‌طلبان حکومتی و هم طیف حامی حاشیه آن در درون و بیرون مرز فقط تلاش کردند این واقعیت را «باور» نکنند. «خوش‌بینی» آن‌ها که در تضاد زنده‌ای با شایعات گسترده در مورد وقوع کودتا قبل از یورش اردیبهشت دستگاه ولایت بود، از سر ناگزیری بود.

یورش دستگاه ولایت به مطبوعات بسیاری از ابهامات را کنار زد و به خوش‌گمان‌ها ثابت کرد که تمامیت‌خواهان بدون جنگ صحنه را ترک نخواهند کرد. آن‌ها قبل از آن که اصلاح‌طلبی بن بست خود را در مجلس ببینند، تصمیم گرفتند که هم‌سوئی مردم با پلانفرم اصلاح‌طلبی را بشکنند. چون می‌دانند که امکانات و ابزارشان - قانونی یا زور - وقتی برای جلوگیری از سیل کارکرد دارد که حرکت مردم شتاب نگرفته باشد. اما اگرچه تمامیت‌خواهان مرحله اول یورش را با موفقیت پشت‌سر گذارده‌اند، ولی بازی تمام نشده‌است. مردم هنوز کارت خود را بازی نکرده‌اند. آن‌ها با یورش دستگاه ولایت، با تغییر وضعیت ناگهانی روبرو شده‌اند. تاکتیکی که بیش‌از دو سال در پی گرفته بودند و به کمک آن به پیش‌روی عظیمی نایل آمدند، با یورش رژیم کارکرد خود را در یک مقیاس عمومی از دست داد. فقط باید به کوربینی سیاسی دچار بود تا این واقعیت را ندید که اکنون مردم و دستگاه ولایت‌فقیه، مردم و نظام بی‌واسطه اصلاح‌طلبان در مقابل هم قرار گرفته‌اند. شخصی ولی‌فقیه و دستگاه‌های تحت هدایت و رهبری‌اش هر روز با ادعاینامه‌ها و بیانیه‌ها و سخنرانی‌های شداد و غلاظ این حقیقت را اعلام می‌کنند.

مردم برای مقابله با وضعیت جدید به وقت نیاز دارند.

بنابراین آن‌چه اوضاع را حساس کرده این است که برای دستگاه ولایت راه عقب‌نشینی نمانده‌است و برای مردم سپر اصلاح‌طلبی از کار می‌افتد. اگر نمی‌خواهیم مشت لخت را به جنگ سرریزه بفرستیم، باید برای این وضعیت تدارک ببینیم و این مستلزم آنست که پیش و بیش از هر چیز واقعیت‌ها را ببینیم.

اولاً- توهم دروغین ایجاد نکنیم و عزم ولایت‌فقیه به سرکوب را جدی بگیریم؛

ثانیاً- با ایجاد توهم به توان اصلاح‌طلبان، توان مردم را تخلیه نکنیم. آقای علیرضا نوری‌زاده اخیراً در مصاحبه‌ای گفتند که اصلاح‌طلبان حکومتی در جریان واکنش به تهاجم، اگرچه از بالا اقدام کردند و مردم را به آرامش فراخواندند، اما نیروی خیابان را آماده نگه‌داشتند و ایشان مطمئن هستند که اگر تمامیت‌خواهان مجلس ششم را منحل کنند، آن‌ها این نیرو را بسیج خواهند کرد! (تقل به معنی). برای پاسخ به ایشان باید از ایشان خواهش کرد که یک‌بار دیگر صدای خودشان را بشنوند: آیا اصلاح‌طلبان نیروی خیابان را علیه ولایت‌فقیه

بسیج خواهند کرد؟ این که اعلان جنگ به دستگاه ولایت و پلانفرم خودشان است.

امروز حتی برای آن که دفتر اصلاح‌طلبی کاملاً بسته نشود و مردم بتوانند از فرصت‌های قانونی در هر کجا که ممکن است در مبارزه با سرکوب استفاده کنند، باید مقاومت مردم، مستقل از اصلاح‌طلبان سازمان یابد. مردم را به توان اصلاح‌طلبی و وعده فریبنده مجلس ششم نشانند، آگاهانه یا ناآگاهانه، در خدمت یورش گران است که با همین وعده فریبنده، اصلاح‌طلبان را وادار به تسلیم رضایت‌مندانه بستن مطبوعات و حذف گرایش‌های رادیکال خود نموده‌اند.

ثالثاً- باید تهاجم در همان قدم‌های اول درهم‌شکسته شود. باید به سرکوب اجازه پیش‌روی نداد. برخی از اصلاح‌طلبان از این حقیقت سوءاستفاده می‌کنند که دستگاه ولایت در درازمدت نمی‌تواند مردم را به سکوت وادار کند و اوضاع پس از مدتی مجدداً تغییر کرده و رژیم را در محاصره قرار خواهد داد. این حقیقت است، ولی اکنون دستگاه ولایت (از این ستون به آن ستون فرج است) را جستجو می‌کند. یک موفقیت یک‌ساله در سرکوب شرایط صحنه، میزان آمادگی مردم و تدارکات آن‌ها را چنان می‌تواند تغییر دهد که مردم را وادار کند بهای سنگینی برای درهم‌شکستن سرکوب بپردازند. بهایی که حتی در چگونگی شکل‌گیری اوضاع بعد از جمهوری‌اسلامی نیز مؤثر خواهد بود.

و سرانجام نیروی شگرف مقاومت مردمی که در سطح ملی مبارزه می‌کنند، تیغ هر سرریزه‌ای را اگر نشکند، لاف‌لاقی کند می‌کند. این مقاومت را باید سازمان داد، نه آن‌که آن‌را با وعده‌های فریبنده و توهم‌پراکنی از رمق انداخت.

اصلاح‌طلبان در ابعاد وسیع القاء می‌کنند که مقاومت توده‌ای خواست جناح یورش‌گراست تا به بهانه آن جنگ نهایی را جلو انداخته و مردم را سرکوب کند. معمولاً کسانی که موضع نادرستی دارند مخالفین را به منتهی‌الیه افراطی موضع‌شان می‌رانند تا خود را اثبات کنند. مقاومت توده‌ای به معنای دست‌زدن به نبرد نهایی در زمان نامناسب نیست. مقاومت می‌تواند دفاعی باشد یا تهاجمی و روشن است که مقاومت مردم در موقعیت کنونی بعلت شرایط نامطلوب، بناگزر دفاعی‌ست.

تهاجم رژیم به این مقاومت دفاعی حقایق می‌بخشد و قدرت یک دفاع برحق ملی تنها چیزی‌ست که این تهاجم را می‌شکند. مهم است که این حقیقت را بپذیریم.

### کانون نویسندگان ایران (در تبصیر) برگزار می‌کند

#### میتینگ اعتراض

علیه توقیف روزنامه‌ها و مجلات

علیه بازداشت نویسندگان و روزنامه‌نگاران

علیه اعدام اندیشه و فتوای قتل

زمان: شنبه ۲۷مه ۲۰۰۰ ساعت ۱۲ تا ۱۶

مکان ردولف پلاز، کلن Rudolfplatz.

دنباله از صفحه ۳ نطق خامنه‌ای در.....

خونریزی ابائی نداشته و گمان نبرند که هم چون برادر آن "شهید کریلا" تسلیم شده و صحنه را به حریف و یا به مردم واگذار خواهند کرد. رفسنجانی در سخنان خویش دریچه تازه‌تری را برای فهم بهتر اهداف این استراتژی گشود: او با مقایسه بحران اوائل سال‌های آغازین انقلاب اسلامی (۵۸-۶۰) و نیز با مقایسه ضمنی دولت بازرگان و بنی‌صدر با دولت خاتمی و بحران حاکم بر آن دوره با بحران حاکم برجامعه کنونی و مقایسه تاکتیک امام مدفون مبنی بر یک دور تحمل و بردباری و سپس خروش و تصمیم‌گیری نهائی در برابر آن‌ها، مفهوم واقعی استراتژی فوق را بخوبی روشن کرد.

در عمل مدافعین و کارگردانان استراتژی "حسینی"، برای پیش‌برد این هدف بوضوح اعلام شده خود، از آن جاکه خود را عاجز از بلعیدن لقمه بزرگ جنبش توده‌ای در یک طرفه‌العین می‌بینند به سیاست کودتای خزننده و گام بگام روی آورده‌اند: در فاز نخست بستن روزنامه‌ها و پاکسازی سیاسی اصلاح‌طلبان رادیکال درون و یا بیرون از حاکمیت را. اما کودتا در تمامیت خویش بعنوان پاسخ این استراتژی برای کنترل وضعیت بحرانی تدوین شده است. توقف در نیمه راه می‌تواند به وخامت بیشتر اوضاع بیانجامد. حتی پیروزی اولیه- بستن روزنامه‌ها- برای تثبیت خود نیامند فراتر رفتن از گام نخست است. نطق اخیر خامنه‌ای در محتوای اصلی خود گام گذاشتن در این وادی جدید است. نخست او و رفسنجانی به‌عنوان گارگردانان اصلی این استراتژی، از زبان دلقکی بنام محس رضائی -که همراه ولی‌نعمت خود رفسنجانی پس از خوردن سیلی محکم در فراندوم ۲۹ بهمن، مجدداً به سنگر "مجمع تشخیص مصلحت نظام" خزیده و به تحکیم مواضع خویش در آن پرداخته‌اند- نارضایتی آشکار رهبری را از حضور مهاجرانی در رأس وزارت ارشاد به اطلاع مردم و دولت خاتمی رساندند. رضائی حتی درخواست دستگیری و محاکمه این وزیر یاعی-که گویا در صدد احیاء روزنامه‌های بسته شده برآمده است- را مطرح ساخت. سپس با فاصله زمانی اندکی، نوبت

به خود خامنه‌ای رسید تا با ظاهر شدن مجدد در صحن نمازجمعه، نارضایتی خویش را از ترکیب کابینه و بخشی از دولت صریحاً بیان دارد. روزنامه «جمهوری اسلامی» بلافاصله این سخنان را تحت عنوان "اتمام حجت" رهبری به دولت و جناح حریف سرمقاله کرد. از نوع همان اتمام حجتی که خامنه‌ای قبلاً در مورد روزنامه‌ها داده بود و چون گوش شنوائی پیدا نشد، رأسا وارد عمل گردید.

به این ترتیب حلقه نخست استراتژی کودتا، نقداً چنگک خویش را-به‌عنوان حلقه واسطه- بر بخش دوم کودتا که همانا قبضه نهائی قوه مجریه است قلاب کرد. اکنون فشار به دولت خاتمی در راستای جهت دهی به ترمیم کابینه در دور تازه با هدف برکنار کردن مهاجرانی-یعنی در واقع تیر خلاص زدن به آنچه که "توسعه سیاسی" نامیده می‌شود- به مهم‌ترین کانسون چالش و جدال علنی و پشت‌پرده طرفین تبدیل شده است. فشاری تا آن حد نیرومند که خاتمی را وادار ساخت برای معاینه قلب خویش روانه بیمارستان شود. مهاجرانی طی سخنانی خاتمی را در گزین وزیر جدید ارشاد مخیر دانست و اعلام کرد که در سنگرهای دیگر بهتر خواهد توانست به اهداف خویش خدمت کند تا در سنگر وزارت.

استراتژی حسینی -که مفهوم دکده شده آن معادل استراتژی "خشونت" می‌شود- در تقابل با استراتژی دیگری است که نام آن را با استفاده از ترم‌های حاکمیت، می‌توان استراتژی "حسینی" نامید، با مفهوم دکده شده استراتژی "سکوت و آرامش". آیا استراتژی "حسینی" قادر به ایستادگی در برابر استراتژی "حسینی" خواهد بود و یا همان‌گونه که از عنوان تاریخی‌ش پیداست، جاده سیاست را به "ماشین بی فرمان" حریف خواهد سپرد؟ بررسی گزینه‌های محتمل در پاسخ به این سؤال از گنجایش این نوشته بیرون است. اما تا آن جا که به جنبش مقاومت توده‌ای برمی‌گردد- این جنبش هم شکست استراتژی "حسینی" را در دستور کار خویش قرار داده است و هم منزوی ساختن استراتژی "حسینی" را.

تک‌برگی راه کارگر

## نامه‌ی اعتراضی به دستگیری شهلا لاهیجی و مهرانگیز کار

نامه‌ای در اعتراض به دستگیری و بازجویی مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی خطاب به ماری رایسون کمیسر عالی حقوق بشر نوشته شده است. در نامه گفته می‌شود که مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی از فعالین حقوق زنان در ایران بوده و سخنان و نوشته‌های آنها در ارتباط با برابرقوئی زنان و مردان مورد خشم تمامیت‌گرایان قرار گرفته است. در پایان نامه گفته می‌شود که ما زنان ایرانی در تبعید خواهان حمایت شما از مهرانگیز کار، شهلا لاهیجی و سایر شرکت‌کنندگان دستگیر شده کنفرانس برلین، روشن شدن وضعیت آن‌ها، تضمین رفتار انسانی با نامبردگان و آزادی بی‌قیدوشرطشان هستیم. رونوشت این نامه به موریس دان‌واین کاپیتورن و «سازمان عفو بین‌المللی» ارسال شده است.

عزیزه ارشدی و ۲۶۵ ایرانی و خارجی این نامه را امضاء کرده اند. ابراهیم اوخ، نعمت‌م. آرم، حسین دولت‌آبادی، عاطفه گرگین، ایرج حیدری، زویا اسکندانی، ناصر اعتمادی، پرویز قلیج‌خانی، حسن حسام، مقصود کاسبی، شهاب لیبی، روبن مارکاریان، رضا مرزبان، مرتضی محبت، باقر مومنی، پرویز نویدی، ناهیدناظمی، حماد شیبانی، بیژن رستگار، بیژن رضائی، فائزه‌نابت، محمدرضا شالگونی.... از جمله امضاء کنندگان این نامه هستند هستند.

### فراخوان نشریه «ایران بولتن» و «اتحاد چپ کارگری»

فراخوانی توسط نشریه ایران بولتن و اتحاد چپ کارگری در محکومیت توقیف نشریات در ایران و دستگیری روزنامه‌نگاران منتشر شده است. در بخشی از این فراخوان گفته می‌شود "توقیف مطبوعات بر اساس اعمال وضعیت فوق‌العاده صورت گرفته بطوری که حتی قوانین بشدت محدودکننده موجود در عرصه مطبوعات را زیر پا نهاده است. تعدادی روزنامه‌نگار به زندان افکنده شده‌اند...."

ما امضاء کنندگان خواهان اجابت درخواست‌های زیر هستیم

۱- رفع توقیف روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها

۲- آزادی بی‌قیدوشرط روزنامه‌نگاران زندانی

۳- تعطیل بلادرنگ کارزار برای سرکوب مطبوعات

۴- از وسائل ارتباط جمعی خارج از ایران می‌خواهیم که ماشین تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی و بویژه شبکه صدا و سیما را که ابزاری در دست جناح فوق محافظه‌کار است تحریم کنند. هر نوع همکاری با صدا و سیما از جمله دسترسی آنها به اخبار بین‌المللی، رسانه‌های ورزشی و تفریحی و همچنین دسترسی به برنامه‌های بخش ماهواره‌ای باید قطع شود.

۵- ما همه اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران، نویسندگان و سازمانهای مدافع آزادی بیان و حقوق بشر، سازمان ملل، پارلمان اروپا و همه پارلمان‌هایی را که به شیوه دمکراتیک انتخاب شده‌اند فرا می‌خوانیم که به وسیع‌ترین شکل ممکن رژیم جمهوری اسلامی را برای قطع سرکوب آزادی بیان و رفع توقیف نشریات تحت فشار قرار دهند.

۶- ما به همه امکانات خود تلاش خواهیم کرد تا صدای اپوزسیون داخل در خارج و بویژه در داخل ایران شنیده شود.

متن اولیه این فراخوان توسط تعدادی از شخصیت‌های سرشناس ایرانی و خارجی از جمله پرفسور نوام چامسکی، پرفسور عزیز العزمه، خلیل هیندی، هیلین تیگنن امضاء شده و مورد حمایت "فدراسیون جهانی روزنامه‌نگاران" قرار گرفته است.

### فراخوان به تظاهرات

بدین وسیله به اطلاع کلیه سازمانها، نهادها، تشکلات و انسانهای آزادیخواه می‌رسانیم که برای دفاع بی‌قیدو شرط از آزادی بیان، قلم، اندیشه، اجتماعات و اعتراض به افزایش روز افزون سرکوب آزادی‌ها در ایران، بازداشت روزنامه‌نگاران، روشنفکران، مردم معترض و برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و نیز در اعتراض به مسکوت ماندن پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و اعلام همبستگی با مبارزات کارگران، دانشجویان، روشنفکران، زنان، جوانان اقدام به تظاهرات می‌کنیم.

کمیته برگزار کننده‌ی تظاهرات

زمان : شنبه ۲۰. ۵. ۲۰۰۰ ساعت ۱۱.۳۰ مکان : هانور- اشتاین‌تور

## هم حق اعتصاب هم حق تشکل مستقل

## تحصن ایرانیان در استکھلم

یوسف آبخون

ادامه دارد!

مراسم روز جهانی کارگر، همان‌طور که انتظار می‌رفت، بدون رسیدن به نتیجه‌ای برای سازمان‌دهندگان آن در به اصطلاح عقب راندن اکثریت راست مجلس پنجم برگزار گردید. البته سازمان‌دهندگان این مراسم، یعنی «خانه کارگر» و «کانون شوراهای اسلامی کار»، که سر هر دوی‌شان به آخور حکومت و بیشتر به آخور دارودسته مافیای رفسنجانی بند است، در انتظار نتیجه‌ای هم نبودند. چرا که حالا دیگر دغدغه اصلی آن‌ها، با شتاب غیر قابل پیش بینی حوادث و خطر اوج‌گیری و گسترش هر چه بیشتر مبارزات مستقیم کارگران و مردم در برابر حکومت، همان‌طور که شعارها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های‌شان در این مراسم نشان داد، نه عقب‌راندن تهاجم جناح رقیب، بلکه عقب‌راندن تهاجم مستقیم کارگران به حکومت و مهار آن‌ها است.

گردندگان این تشکل‌ها در برابر سکوت سنگین و یا شعارهای اعتراضی هزاران کارگری که از این فرصت برای گردهمایی اعتراضی سراسری‌شان استفاده کرده بودند، شعارهایی در دفاع از رهبری و نظام سر دادند و تلاش کردند با ایجاد فضای خارجی ستیزی اذهان کارگران را از مسائل اصلی منحرف کرده و آن‌ها را به جان هم بیندازند. البته سردمداران تشکل‌های وابسته به رژیم، برای گرم کردن بساطشان در روزهای قبل از اول ماه مه، خواستار به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب به عنوان حق طبیعی و مسلم کارگران ایران از جانب مجلس ششم شده بودند. حق طبیعی و مسلمی که سال‌ها از جانب این تشکل‌های کارگری وابسته به حکومت و همین‌طور نهادهای رسمی حکومتی و قانون کار اسلامی با وقاحتی آشکار انکار شده و کارگران ایران سال‌ها و در هر اعتصابی که در هر روز سال گذشته سازمان دادند از این حق طبیعی و مسلم خود با زیر پا گذاشتن قواعد و قوانین حکومت اسلامی و قانون کارش استفاده کرده‌اند. هدف از طرح این شعار در شرایط کنونی این است که شاید بتوانند با طرح آن و با زیر پا گذاشتن قانون کار اسلامی‌شان و با قانون‌مند کردن اعتصاب‌های کارگری، به روایت بیانیه حزب اسلامی کار به مناسبت روز جهانی کار، «از زبان‌های بسیار بزرگتری که نادیده انگاشتن حقوق کارگران و شکل‌گیری اعتراضات وسیع کارگری در قالب‌های نامتعارف است جلوگیری به عمل آورند».

شاید آن‌ها بتوانند خواست خود برای تصویب قانون اعتصاب، به عنوان حق طبیعی و مسلم کارگران و برای نهادینه کردن و قانون‌مند کردن اعتصابات به قول حزب اسلامی کار، را در مجلس ششم به کرسی بنشانند. البته اگر حوادث کنونی و همین‌طور شکل‌گیری اعتراضات وسیع کارگری و توده‌ای در قالب‌های نامتعارف مجال طرح این بحث را در مجلس را بدهد. ولی مسلماً با این ترفند نخواهند توانست از شکل‌گیری اعتراضات وسیع کارگری در قالب‌های نامتعارف، در شرایطی که به‌طور نامتعارفی مجال زندگی کردن و نفس کشیدن از کارگران گرفته شده، جلو‌گیری به عمل آورند. و طبعاً نخواهند توانست اعتراضات کارگران برای حق طبیعی و مسلم زنده ماندن و نفس کشیدن را در قالب قوانین بی‌جان و بی‌نفس مهار کنند، آن‌هم در شرایطی که این حق طبیعی و مسلم، از جانب نه تنها اکثریت مجلس پنجم بلکه اکثریت مجلس آتی طرف‌دار به اصطلاح اصلاحات به بهانه «جلب رضایت سرمایه‌داران» و «راه‌اندازی اقتصاد ورشکسته کشور» به نحو زنده‌ای انکار می‌شود. و این انکار در شرایطی صورت می‌گیرد که ابعاد هولناک گرسنگی و بیکاری نفس‌گیر کنونی مجالی برای زنده ماندن و زندگی کردن کارگران باقی نگذاشته است. در چنین شرایطی است که به رسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض برای کارگران، بدون به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و یا تجمع‌های مستقل کارگری، فارغ از مزاحمت‌ها و کارشکنی‌ها و جاسوسی‌های نهاد‌های به اصطلاح کارگری وابسته به رژیم معنایی ندارد. بویژه که همین حق طبیعی و مسلم کارگران برای داشتن و یا ایجاد تشکل‌های مستقل، هنوز که هنوز است از جانب این تشکل‌های ضدکارگری با وقاحت آشکاری انکار می‌شود. مسلم است که کارگران ایران باید با تمام توان از به رسمیت شناخته شدن نه تنها حق اعتصاب بلکه حق ایجاد آزادانه تشکل‌های مستقل خود و نه تنها در رژیم اسلامی بلکه در هر رژیم دیگری دفاع کنند. چرا که بدون مبارزه برای این حقوق مسلم و طبیعی، حق مسلم و طبیعی آن‌ها برای زنده ماندن و زندگی کردن نه تنها در رژیم اسلامی بلکه در هر رژیم دیگری انکار خواهد شد.

تحصن ایرانیان شهر استکھلم که از روز سه‌شنبه دوم ماه مه و همزمان با اعلام تصمیم دانشجویان ایران برای تحصن، آغاز شده بود، هم‌چنان ادامه دارد. هدف از برگزاری این تحصن، اعتراض به موج جدید سرکوب، توقیف مطبوعات و دستگیری روزنامه‌نگاران و روشن‌فکران دگراندیش، اعلام شده است. در بیانیه‌ای که از سوی متحصنین صادر شده از سازمان‌ها، احزاب، نهادها و شخصیت‌های آزادیخواه دعوت شده تا از خواست‌های متحصنین به شرح زیر حمایت کنند:

۱- آزادی بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، از جمله آزادی دستگیرشدگان اخیر.

۲- آزادی روزنامه‌های توقیف شده.

۳- آزادی بی‌قید و شرط بیان (اعم از کتبی و شفاهی) در ایران.

گزارشات منتشره از سوی متحصنین در رادیوهای فارسی‌زبان حاکی از آنست که تاکنون شمار زیادی از سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های ایرانی، سوئدی، سومالیایی و دیگر ملیت‌ها، با صدور فکس و یا حضور در محل تحصن، به اعلام پشتیبانی از خواست‌های مطروحه در بالا پرداخته‌اند. این گزارش‌ها هم‌چنین از استقبال گرم و گسترده ایرانیان مقیم استکھلم و بویژه جوانان و دانشجویان ایرانی از تحصن خبر می‌دهند. متحصنین شهر استکھلم در عین حال موفق شده‌اند تا به نحو گسترده‌ای به انعکاس خبر تحصن و اهداف آن در رسانه‌های گروهی محلی و بین‌المللی بپردازند، امری که ضمن رساندن فریاد اعتراض مردم ایران به افکار عمومی جهانیان، برای توده‌های متعرض در داخل کشور نیز حاوی این پیام دلگرم‌کننده بوده که اعتراض به شبه‌کودتای دستگاه ولایت در سطح بین‌المللی در جریان است.

تحصن استکھلم تنها در چهارچوب یک حرکت اعتراضی باقی نمانده و در طول دو هفته گذشته، محلی برای تلافی نظرات و دیدگاه‌های گوناگون در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. ابتکار برگزاری شب‌های شعر، سخنرانی و نمایش فیلم در محل تحصن، علاوه بر آن که جمع وسیعی از ایرانیان را به این حرکت جلب کرده، زنده‌گی و شور و حال ویژه‌ای به این حرکت بخشیده است. ازجمله برنامه‌های برگزار شده در محل تحصن می‌توان به سخنرانی جواد کشمیری تحت عنوان «اصلاحات و جنگ قدرت»، سخنرانی ناصر احمدی نوگرایی دینی و همچنین ترانه‌خوانی و سخنرانی شاعر ایرانی مقیم استکھلم اکبر ذوالقرنین در ارتباط با رابطه فرهنگ و سیاست اشاره کرد. علاوه بر این در هفته‌ای که گذشت فیلمی از «کنفرانس برلین» در محل تحصن نمایش درآمد که با استقبال ایرانیان و بحث گرمی در باره «آزادی بیان» همراه شد.

آخرین گزارش‌های رسیده از استکھلم حاکی از آنست که موفقیت تحصن، برگزارکنندگان آن را بر آن داشته است که با تشکیل کمیته‌های کار، اقدامات تبلیغاتی خود را وسعت بیشتری بخشند. ازجمله این کمیته‌ها، میتوان به کمیته زنان اشاره کرد که با هدف برجستگی بخشیدن به موضوع دستگیری نویسندگانی همچون شها لاهیجی و مهرنگیز کار، تشکیل شده است. کمیته برگزاری تحصن همچنین تصمیم به انتشار خبرنامه‌ای به منظور انعکاس هرچه سریعتر و وسیعتر اخبار مربوط به تحصن گرفته است.

کمیته تحصن همچنین اعلام نموده است که نهادها و افرادی که مایل به اعلام پشتیبانی از متحصنین استکھلم و خواست‌های‌شان می‌باشند، می‌توانند با فکس و پست الکترونیکی زیر تماس حاصل کنند.

تلفن و فاکس ۰۰۴۶ ۸ ۷۶۰۴۷۷۲

پست الکترونیکی: e-mail: coup\_@hotmail.com